



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی گروه نهج البلاغه

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته معارف نهج البلاغه

گرایش اصول دین و معارف علوی

موضوع:

ذکر از دیدگاه قرآن و امام علی علیه السلام

استاد راهنما

دکتر سید کاظم عسکری

استاد مشاور

دکتر محمد دزفولی

نگارش

ظاهره صابغی

آذرماه ۱۳۸۶

تقدیم

این تحقیق مختصر را در عین کاستی های علمی به پیشگاه پیامبر اعظم ﷺ و اهل بیت طاهرینش تقدیم می نمایم. به امیرالمؤمنین علیه السلام که تمامی وجود پربرکتش را در راه شناساندن معارف اسلامی به بشریت و احقاق حق مظلومین بذل نمود و محور و مدار حق بود و لحظه ای از پابندی به حق عدول ننمود. به خیر کثیر، مادر مظلومیت، فاطمه زهرا علیها السلام آن شخصیتی که خردمندترین اندیشه ها در شناخت حقیقت وجودی اش سر تعظیم فرود می آورند.

و به زلال ترین حقیقت هستی، محبوب غائب از نظر، مولا و سرورم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

يا ايها العزيزُ مسنا و اهلنا الصُّرُّ و جِننا ببضاعه مُزجاهِ فأوفِ لنا الكيلَ و تصدَّق علينا إنَّ اللهَ يجزِي المتصدِّقين

ای عزیز، ما و خاندان ما را ناراحتی فراگرفته، و متاع کمی با خود آورده ایم پیمانمان را کامل کن، و بر ما تصدق و بخشش نما که خدا بخشنندگان را پاداش می دهد.

سپاسگزاری

حمد و سپاس بی پایان خداوند منان را که بر ما منت نهاد تا اندک زمانی بر سر خوان قرآن و اهل بیت علیهم السلام میهمان گردیم و با سپاس فراوان از اساتیدی که همواره در طول تحصیل از هیچگونه تلاشی در جهت تعلیم و تربیت دانشجویان دریغ نداشته اند بویژه از جناب آقای دکتر سید کاظم عسکری که مراحل تحصیل و نیز راهنمایی رساله خود را مرهون سعه صدر، بزرگواری و تلاشهای بی دریغ ایشان می دانم و با تشکر از استاد محترم جناب آقای دکتر محمد دزفولی که در تمام مراحل تحقیق، فراتر از راهنمایی همچون همراهی دلسوز، با ارائه نظرات راهگشا و سودمند و معرفی منابع گرانسنگ، در تهیه این تحقیق زحمات بی دریغی را متقبل شدند و مرا در به ثمر رساندن این پایان نامه یاری نمودند. و ضمن عرض ادب از اساتید محترم داور جناب آقای دکتر محمد هادی امین ناجی و سرکار خانم دکتر فاطمه علیپور به جهت پذیرش زحمت داوری این پایان نامه و راهنمایی های موشکافانه و خیرخواهانه این عزیزان کمال تشکر را دارم و با تشکر از مادر عزیزم که بی تردید در تمام مراحل زندگی به خصوص در نگارش این پایان نامه از دعای خیرش بهره مند بوده ام. و روح پدر عزیزم که دعای بخش همواره سرمایه پرکت زندگی من بوده است. و با تقدیر از خانواده مهربانم، همسر عزیز و فرزندان و داماد خوبم که در تمام طول تحصیل و نیز نگارش این پایان نامه بزرگوارانه مرا تحمل و یاری نمودند. بهترین عطیه الهی، یعنی محشور شدن با قرآن را برای همه آرزو مندم.

فهرست مطالب

| صفحه | عنوان |
|------|---------------------------|
| ۵ | تعریف و تبیین موضوع |
| ۵ | اهداف تحقیق |
| ۵ | پیشینه تحقیق |
| ۶ | سئوالات اصلی تحقیق |
| ۶ | روش تحقیق |

فصل اول : بررسی های ابتدائی درباره ذکر

| | |
|----|--|
| ۸ | ۱-۱ معنای لغوی ذکر |
| ۱۰ | ۲-۱ معنای اصطلاحی ذکر |
| ۱۰ | ۱-۲-۱ در قرآن کریم |
| ۱۵ | ۲-۲-۱ در کلام امیر المؤمنین |
| ۱۵ | ۱-۲-۲-۱ معانی اصطلاحی ذکر در نهج البلاغه |
| ۱۹ | ۳-۱ مفاهیم مخالف ذکر |
| ۱۹ | ۱-۳-۱ غفلت |
| ۲۰ | ۲-۳-۱ نسیان |
| ۲۱ | ۴-۱ مشتقات ذکر در قرآن |
| ۲۲ | ۵-۱ حقیقت ذکر |

۶-۱ نحوه ذکر و کیفیت آن ۲۶

۷-۱ انواع و مراتب ذکر ۲۸

فصل دوم: مصادیق ذکری

۱-۲ قرآن ۳۹

۲-۲ نماز ۴۲

۱-۲-۲ آثار نماز ۴۳

۱-۱-۲-۲ تعظیم و تکریم خداوند ۴۳

۲-۱-۲-۲ عالی ترین عامل کبر زدایی ۴۳

۳-۱-۲-۲ استمداد از نماز در ترک معاصی ۴۳

۳-۲ پیامبر اکرم و ائمه صلوات الله عليهم اجمعین بعنوان انسان های کامل ۴۵

۱-۳-۲ ذکر اهلیت شرط اثر بخشی دعا ۴۷

۴-۲ دعا ۴۸

۱-۴-۲ معنای دعا ۴۹

۲-۴-۲ کیفیت دعا ۵۰

۱-۲-۴-۲ اخلاص در دعا ۵۰

۲-۲-۴-۲ اصرار در دعا ۵۱

۵-۲ صیغه های مخصوص ذکر ۵۱

۱-۵-۲ بسمله ۵۲

۲-۵-۲ تهلیل ۵۲

- ۵۲..... ۳-۵-۲ تسبیح
- ۵۳..... ۴-۵-۲ تکبیر
- ۵۴..... ۵-۵-۲ تحمید
- ۵۴..... ۶-۵-۲ استغفار
- ۵۵..... ۷-۵-۲ استعاذه
- ۵۷..... ۸-۵-۲ استرجاع
- ۵۷..... ۹-۵-۲ شکر
- ۵۸..... ۱-۹-۵-۲ معنای شکر
- ۵۹..... ۲-۹-۵-۲ معنای ذاکر و شاکر
- ۵۹..... ۱۰-۵-۲ صلوات
- ۵۹..... ۱۲-۵-۲ بقیه صیغه های ذکر

فصل سوم: اهمیت زمان و مکان در انجام ذکر

- ۶۳..... ۱-۳ زمانهای ذکر
- ۶۳..... ۱-۱-۳ قبل از طلوع و غروب خورشید
- ۶۵..... ۲-۱-۳ در سخ تپها و گشایشها
- ۶۶..... ۳-۱-۳ هنگام انجام کارهای روز مره
- ۶۶..... ۴-۱-۳ هنگام کسب و کار
- ۶۷..... ۵-۱-۳ زمان وضو و نماز
- ۶۸..... ۶-۱-۳ هنگام حج

- ۳-۱-۶-۱ هنگام رسیدن به مشعرالحرام ۶۸
- ۳-۱-۶-۲ هنگام قربانی ۶۸
- ۳-۱-۶-۳ بعد از اتمام مناسک حج ۶۸
- ۳-۱-۷ هنگام رویارویی با دشمن و نیز فراغت از جنگ ۶۹
- ۳-۱-۸ هنگام مواجهه با گناه و نیز بعد از ارتکاب معصیت ۷۰
- ۳-۱-۹ هنگام شب ۷۱
- ۳-۲ مکانهای ذکر ۷۲
- ۳-۲-۱ مساجد ۷۲
- ۳-۲-۲ بیوت ۷۳
- ۳-۲-۳ مشعرالحرام ۷۳
- ۳-۲-۴ در جمع مردم و در خلوت ۷۴

فصل چهارم: آثار و فوائد ذکر

- ۴-۱ آثار دنیوی ذکر ۷۶
- ۴-۱-۱ موجب مجالست با پروردگار ۷۶
- ۴-۱-۲ یادآوری خدا از بنده ۷۸
- ۴-۱-۳ عامل آرامش و شرح صدر ۷۹
- ۴-۱-۴ حیات و پاکی قلب ۸۱
- ۴-۱-۵ تغذیه روح ۸۴
- ۴-۱-۶ از بین بردن بیماریهای نفسانی ۸۴
- ۴-۱-۷ راهنمایی بسوی صراط مستقیم ۸۵

- ۸۵..... ۴-۱-۸ دور کننده شیطان.....
- ۸۷..... ۴-۱-۹ ایجاد ملکه عصمت در انسان.....
- ۸۹..... ۴-۱-۱۰ مقدمه بودن برای توبه و استغفار.....
- ۹۰..... ۴-۱-۱۱ ترسان شدن دل.....
- ۹۲..... ۴-۱-۱۲ در امان ماندن از نفاق.....
- ۹۲..... ۴ + ۱۳ نزول رحمت الهی.....
- ۹۳..... ۴-۱-۱۴ ساماندهی امور دنیوی.....
- ۹۳..... ۴-۲ آثار اخروی ذکر.....
- ۹۳..... ۴-۲-۱ رستگاری ، غفران و اجر عظیم.....

فصل پنجم : خصوصیات ذاکران

- ۹۷..... ۵-۱ خوف و خشیت.....
- ۹۸..... ۵-۱-۱ ضرورت وجود خشیت.....
- ۹۹..... ۵-۲ اطمینان و آرامش.....
- ۱۰۰..... ۵-۳ انابه و رجوع به حق.....
- ۱۰۱..... ۵-۴ خشوع.....
- ۱۰۲..... ۵-۵ مداومت در ذکر الله.....
- ۱۰۳..... ۵-۶ ژرف اندیشی.....
- ۱۰۴..... ۵-۷ دارای قلب سلیم و حق طلب.....
- ۱۰۵..... ۵-۸ پند پذیری.....
- ۱۰۵..... ۵-۹ ترس و پرهیز از گناه.....

نتیجه گیری..... ۱۰۶

پیشنهادات..... ۱۰۷

فهرست منابع..... ۱۰۸

چکیده:

پژوهش حاضر با عنوان «ذکر از دیدگاه قرآن و امام علی علیه السلام» به نگارش درآمده است. مبحث مذکور دارای ارزش بسیاری است، زیرا برای برداشت مطالب آن از منبع باارزش قرآن و روایات امیرالمؤمنین علیه السلام استفاده شده است. واژه ذکر در لغت به معنی نگاه داشتن چیزی و از آن یاد کردن است ولی در معنای اصطلاحی، ۱۸ مورد در قرآن و ۱۱ مورد در کلام امام علی علیه السلام آمده است، که به تفصیل در بخش معانی اصطلاحی ذکر آمده است. ذکر و یاد خدا سرچشمه قدرت روحی و معنوی انسان است و قرآن کریم در مواضع متعدد، مسلمانان را به این امر مهم فرا خوانده است تا از آثار و برکات آن برخوردار گردند ولی متأسفانه بسیاری از مسلمانان از شناخت صحیح ذکر فاصله دارند و ذکر را منحصر در به زبان آوردن یکسری کلمات می دانند به عبارتی ذکر را با ورد اشتباه گرفته اند. تحقیق حاضر سعی کرده تا سرحد امکان این اشتباه مصطلح در جامعه را بررسی و پرده از روی معنای صحیح ذکر بردارد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر بدین شرح می باشد. نماز، قرآن، پیامبر اکرم ﷺ و ائمه علیهم السلام، دعا و صیغه های مخصوص ذکر زبانی همچون تسبیح و تحمید از مصادیق ذکر هستند، نه انواع آن که متأسفانه در جامعه اشتباهاً به انواع شناخته می شوند. همچنین ذکر، زمان و مکان خاصی ندارد و اگر در روایتی به این موضوع اشاره شده، همه شرط کمال بوده نه شرط انجام عمل. ذکر حقیقی این است که انسان همیشه و در همه حال و در تمام شئون خداوند را ناظر بر اعمال و احوال خویش بداند و ذاکر حقیقی کسی است که در تمام لحظات حیات به یاد خدا باشد. این فرد اگر با مصیبتی رو به رو گردد متذکر این معنا می گردد که **﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ﴾** لذا مصیبت را زود گذر و از بین رفتنی می داند. همچنین هنگامی که با گناه مواجه می گردد به یاد این نکته می افتد که عالم محضر خداست و در محضر خدا نباید مرتکب معصیت شد و یا به ذکر عملی و جوارحی می پردازد: نماز می خواند، روزه می گیرد و اعمال عبادی دیگر انجام می دهد و یا در روزمره گوی دنیا، نمی گذارد غفلت او را فرا گیرد و به ذکر زبانی می پردازد. پس چنین کسی ذاکر واقعی است نه شخصی که فقط به ذکر زبانی اکتفا میکند، بدون اینکه لحظه ای به اطاعت از اوامر پروردگار بیندیشند و معنای واقعی عبد به خود بگیرد. ذکر، آثار و فوائد فراوانی در دنیا و آخرت دارد که یکی از مهم ترین آثار دنیوی آن کسب آرامش و برطرف کردن اضطراب درونی است.

مقدمه

هر انسان اندیشمندی که اندکی از این جهان مادی فاصله بگیرد و به اطراف خود با دیده اعتبار و حقیقت جوئی بنگرد به سادگی در می یابد که او به عنوان یک انسان از همه اشیا و جانورانی که در محیط اطراف او قرار دارند متمایز است و در وجود خود چیزی را می یابد که با این جهان مادی سنخیتی ندارد. او در درون خود با حقیقتی غیرمادی و الهی مواجه می گردد و این نه تنها وجه تمایز نوع انسان از جانداران دیگر، بلکه قوام انسان بودن اوست. لذا هر چه به مادیات نزدیک تر باشد، خود را به حیوانات نزدیک تر حس می کند و از حقیقت انسانیت دورتر می شود و این بخش از انسان که در حقیقت تمامی وجود انسانی اوست، همانی است که از آن به روح الهی انسانی تعبیر می شود.

اما از آنجا که انسانها از لحظه ای که چشم می گشایند، هر چه می بینند و یا با حواس دیگر حس می کنند همه به نحوی به مادیات مربوط است، معمولاً توجه به روح الهی انسان اندک است و ادیان الهی برای همین آمده اند که هم روش زندگی درست در این جهان را به انسان بیاموزند و هم به ما توجه دهند که این جهان گذرگاه و مزرعه ای برای جهانی برتر است که در آنجا همه چیز با ارزشهای معنوی، که تنها ارزشهای حقیقی اند سنجیده می شود و به انسان بیاموزند که در همین دنیا نیز می توان با آن جهان پیوند و رابطه برقرار نمود.

این ذکر است که با آن انسان متوجه ضعف های خویش می گردد و خود را در این جهان با عظمت کوچکتر از آن می یابد که دچار غرور و تکبر شود. این ذکر است که به یاد انسان می آورد که مشکلات این جهان گذراست و تنها آنچه که جهتی الهی داشته باشد، پایدار و ماندنی است و جولان چند روزه قدرتهای مادی و دست به دست شدن قدرت در این جهان در مقابل عظمت های آخرت هیچ و پوچ است که یک روز آن، آری تنها یک روز از آن جهان برابر هزار سال از این جهان است. و نعمتها و آلام آن جهان پایدار و ابدی است و همه زندگی در این دنیا در مقابل آخرت، متاع بی ارزشی بیش نیست. در ابتدا به نظر می رسد بحث و گفتگو از ذکر بی نیاز و غیر ضروری باشد؛ چرا که ذکر نامی آشنا و یاری همراه است که هر کسی به حسب حال و درنیاپیشها و عبادات خود کم و بیش با آن سروکار دارد و با آن آرامش می یابد. با این وصف و با وجود کتابهای دعا و مناجات درباره ذکر نیاز و ضرورتی به رساله جدید احساس نمی شود. مگر اینکه پژوهش جدید پیامی نو و ارمغانی تازه داشته یا گره ای از مشکلات عدیده اجتماعی گشوده و یا دردی را درمان کند، تا صرف وقت خود و دیگران برای آن توجیه عقلایی و شرعی داشته باشد.

خدای حکیم در کتاب مبین خود بسیار امر و سفارش به ذکر نموده است و این نشان دهنده ثمره و محصول این ذکر کثیر است.

خدای دانای حکیم برای هر تکلیف و امری بنا بر استطاعت بندگان آن خود حد و حصری را مشخص کرده است. تعداد رکعات نماز، ایام روزه داری، مقدار زکات، حج همه و همه حد مشخصی دارد. ولی در امر به ذکر نه تنها حدی مقرر نکرده است و آن را به هیچ زمان و مکانی، سن و سالی، استعداد و توانی و... مقید ننموده است، بلکه سفارش و توصیه به هر چه بیشتر انجام آن کرده است.

ذکر خدا برای بقا و ارتقاء حیات معنوی انسان، به مثابه آب و هوا برای ادامه و رشد و زندگی مادی اوست. یاد و ذکر خدای حی و قیوم به انسان، وجود و حیات می بخشد، و با استمرار آن، به او حیات طیبه، جاودانگی و ابدیت می دهد و فراموشی از او و غفلت از ذکر او، موجب دوری از سرچشمه حیات و بقا شده، و رو به تاریکی و فروپاشی می گذارد.

ذکر خدا در حدی از درجه و مقام قرار دارد که بزرگ ترین و والاترین عبادت، یعنی نماز برای رسیدن به آن اقامه می شود: ﴿ **أَقِمِ الصَّلَاةَ لِكُرَى** ﴾ قرآن کریم با همه شمولیت و فراگیریش بر امور دنیوی و اخروی انسان، جز ذکر چیز دیگری نمی باشد: ﴿ **إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ** ﴾ و همچنین وجود مبارک نبی اکرم صلی الله علیه و اله و سلم و همچنین سایر معصومین علیهم السلام ذکر می باشند:

﴿ **قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ** ﴾

مصادیق ذکر طبق آیات قرآنی شامل خود قرآن، نماز، پیامبر و نیز دعا و اوراد خاص می باشد. ولی مراد از ذکر در این نوشتار، همان حالت بیداری و آگاهی، توجه به پروردگار و حضور دائمی در پیشگاه خداوند عز و جل می باشد که قرآن بر آن اصرار و ابرام دارد.

آنچه این پژوهش، درصدد بررسی آن است، یافتن حقیقت ذکر و جایگاه آن در قرآن کریم و کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام می باشد. بیشتر کتب و مقالاتی که در باب ذکر نوشته شده و پژوهشگر به آنها دست یافته، درباره ذکر به معنای اخص آن، یعنی: تسبیح و تحمید و... بوده است. در این کتب و مقالات، بیشتر به مبحث زمان و مکان ذکر پرداخته شده، اینکه چه ذکری را در چه زمان و مکانی به کار گرفت تا از فایده بیشتری برخوردار باشد ولی شایسته است که به حقیقت ذکر توجه نموده و درباره ذکر به معنای عام قرآنی آن یعنی حاضر و ناظر بودن پروردگار در تمامی شئون دنیوی بررسی هایی انجام شود.

با این بیان مشخص است که ذکر اعم از اوراد، اذکار، واجبات و محرمات، مستحبات و مکروهات، آیات تکوین و آیات تدوین، ذکر عملی، زبانی، فکری و جوارحی و... می باشد. هر چیزی که انسان را به خدای تعالی توجه داده و قدمی به او نزدیک کند، ذکر است و هر عملی ولو عبادی آنگاه بدون توجه و تذکر باشد، ذکر نیست و عملی بیهوده و بی نتیجه خواهد بود.

از خدای مهربان تمنا دارم که این نوشتار را بهانه ای برای حرکت ایستادگان و منزلگاهی برای رهروان و توشه ای برای مسلمان قرار دهد.

بدین منظور این پژوهش در پنج فصل تدوین شده است.

فصل اول در بلبه معنای لغوی و اصطلاحی ذکر در قرآن و نهج البلاغه، معنای مخالف آن و نیز حقیقت و انواع و مراتب ذکر می باشد.

در فصل دوم به مصادیق ذکر از قبیل قرآن کریم، نماز، پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم و دعا پرداخته شده و در انتها صیغه های مخصوص ذکر زبانی مورد بررسی قرار گرفته است.

در فصل سوم با توضیح اینکه ذکر، زمان و مکان خاصی ندارد و آنچه که در روایات آمده همه شروط کمال ذکر است؛ به شرح این روایات پرداخته شده است.

فصل چهارم در باره ی آثار و فوائد دنیوی و اخروی ذکر می باشد.

و بالاخره در فصل پنجم خصوصیات ذاکران حقیقی بیان شده است.

تعریف و تبیین موضوع:

تحقیق حاضر با استفاده از آیات قرآن و سخنان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه و سایر متون روایی شیعه ضمن معرفی ذکر و ذاکران حقیقی تفکر اصیل اسلامی در این زمینه را ارائه می نماید. در این پژوهش هم چنین به مصادیق ذکر، زمان و مکان ذکر، آثار آن و خصوصیات ذاکران پرداخته می شود.

ضرورت و اهداف تحقیق:

ذکر در قرآن و کلام امام علی (ع) به عنوان حقیقتی عظیم به اهل ایمان توصیه شده است، جایگاه آن جایگاه خاصی بوده و انواع و فوائد و آثار آن نیز بیان گردیده است. این در شرایطی است که از مفهوم ذکر و مصادیق آن تصورات و برداشتهای نادرستی در جامعه اسلامی رایج شده و در نتیجه آثار و فوائد آن از جهت خودسازی انسان، فراموش و مغفول مانده است لذا بازیابی مفهوم صحیح ذکر و دریافت آثار سازنده آن با استفاده از گنجینه عظیم قرآن و سخنان گوهر بار امام علی علیه السلام کاری گسترده و درخور را می طلبد. اهداف پژوهش حاضر نیز به شرح زیر می باشند:

- ۱- تفسیر و تبیین یکی از اصطلاحات مهم فرهنگ اسلامی یعنی ذکر با استفاده از آیات قرآن و کلام امام علی علیه السلام
 - ۲- پیراستن فرهنگ اسلامی از مفهوم نادرست ذکر که در بین مسلمانان رایج است.
 - ۳- شناساندن اقسام ذکر با تأکید بر آثار و فواید هر یک از آنها.
 - ۴- شناساندن مصادیق ذکر با تأکید بر نقش هر کدام در تقویت ارتباط انسان با خدا
- در مجموع هدف از این تحقیق باز شناسی دقیق ذکر، ابعاد، آثار و مراتب آن است تا بتوان ذاکران حقیقی را چنان که باید و شاید شناسایی کرد.

پیشینه انجام تحقیق:

با بررسی های انجام شده برای پژوهشگر مشخص گردید که در باره ذکر از نگاه قرآن، یا ذکر و غفلت از نگاه قرآن و احادیث در برخی از مراکز علمی پژوهش هایی انجام شده است، لکن اثری که به صورت جامع، حقیقت ذکر را در دیدگاه قرآن و امام علی علیه السلام نشان دهد - در قالب پایان نامه یا تألیفات مستقل - مشاهده نگردید. همین مسأله پژوهشگر را مصمم ساخت که با توجه به مفهوم انحرافی موجود از ذکر در اذهان بسیاری از اقشار جامعه، به تحقیق جدیدی در این موضوع دست زده و حقیقت آن را در نگاه

قرآن و امام علی علیه السلام مورد دقت قرار ده د، با درک این مطلب که از نظر قرآن کریم ریشه بسیاری از مفاسد اخلاقی و بحران های روحی و معنوی در غفلت از یاد خدا بوده و به طور متقابل ذکر و یاد الهی مایه اطمینان قلوب و مرهمی بر زخم های معنوی است.

مهم ترین منابع این پژوهش قرآن، نهج البلاغه و تصنیف غرر الحکم و درر الکلم می باشد که خود به حد تمام و کمال معنای ذکر و مصادیق و آثار آن را بیان کرده اند.

سؤالات اصلی تحقیق:

- ۱- حقیقت ذکر از نگاه قرآن و امام علی علیه السلام چیست و تفاوت ذکر در فرهنگ مسلمانان با این معنا چیست؟
- ۲- مصادیق ذکر از نظر قرآن و امام علی علیه السلام چیست؟
- ۳- نقش زمان و مکان و مصادیق معرفی شده ذکر در شدت و ضعف حالات ذکر چیست؟
- ۴- چه آثار و فوایدی در دنیا و آخرت برای ذکر مترتب است؟
- ۵- ذاکر حقیقی از نظر قرآن و روایات کیست و چه ویژگیهایی دارد؟

روش انجام تحقیق:

پژوهش حاضر یک پژوهش توصیفی است که با استفاده از منابع و حیانی (قرآن) و روایات امیرالمؤمنین علی علیه السلام انجام شده است که با توجه به راهبرد آن بنیادی می باشد. در عین حال که با توجه به آیات و روایات در موا رد لزوم تحلیل محتوا هم صورت گرفته است. همچنان که ذکر شد همه منابع از نوع دست اول می باشند



فصل اول

بررسی های ابتدایی درباره ذکر



با توجه به گستردگی مفهوم ذکر، لازم است ابتدا به بررسی ذکر از جهت لغوی و اصطلاحی و نیز مفهوم مخالف آن پرداخته شود.

۱-۱- معنای لغوی ذکر :

«ذکره یذکره ذکراً» به معنای آن را یاد کرد.

در کتاب العین که از قدیمی ترین کتب لغت عربی است، معانی زیر در توضیح «ذکر» آمده است:

۱- توجه به چیزی از مقوله یاد کردن، چنان که گفته می شود.

«الحفظ للشیء تذکره» و «هومنی علی ذکر»: من به یاد او هستم.

۲- جاری شدن چیزی بر زبان انسان، چنانکه گفته می شود:

«جری الشیء علی لسانک تقول جری منه ذکر^۱»: یادی از او به میان آمد.

ابن درید، صاحب کتاب جمهره اللغة نیز ذکر را به معنای یادآوری چیزی و خلاف نسیان و فراموشی می داند.

او می نویسد الذکر (ضد النسیان) ذکر الشیء اذکره، ذکراً و ذکراً^۲

ابن فارس نیز در کتابش، معجم مقاییس اللغة، ذکر را به همین معنی آورده و نوشته است:

ذکر الشیء، خلاف نسیته ثم حمل علیه الذکر بال لسان و یقولون: اجعله منک علی ذکر، بضم الذال،

ای لا نسنه^۳

جوهری میگوید: الذکر: الصیت و الثناء - ذکر الشیء بعد النسیان و ذکرته ب لسانی و بقلبی و تذکرته

و اذکرته غیری و ذکرته^۴

ابن منظور نیز در این مورد می نویسد:

^۱- العین، ج ۵، ص ۳۴۶، و نیز المحکم و المحيط الاعظم فی اللغة، ج ۶ ص ۴۸۹

^۲- جمهره اللغة، ج ۱، ص ۲۷۵

^۳- معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۴۵۸ و نیز اساس البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۳

^۴- الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه)، ج ۲، ص ۶۶۵؛ اساس البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۳



الذِّكْرُ: الحفظ للشئء نث كؤه، ايضاً: الشئء يعجرى على اللسان^۱

صاحب كتاب منتهى الأرب^۲ چند معنى براى ذكر مى نويسد

« ياد كردن چيزى، تذكار وهر چيز كه بر زبان رود در آوازه و ستايش و بزرگى »

در كتب معجم متن اللغه و نيز اقرب الموارد بترتيب جملات زير آمده است :

الحفظ للشئء^۳ و حفظه فى ذهنه^۴

راغب نيز در مفردات معتقد است كه ذكر در دو مفهوم به كار رفته است :

« ۱- ذكر عبارت است از حالت نفسانى كه به آن شناخت و علم كسب شده ، حفظ مى شود .» يعنى انسان

چيزى را كه قبلاً به آن شناخت پيدا كرده، حفظ ميكند «باز انديشى» يعنى ذكر مانند حفظ كردن است جز اينكه

حفظ به اعتبار بدست آوردن و دريافتن چيزى گفته مى شود ولى ذكر به اعتبار حضور در ذهن و بخاطر آوردن

آن است. اين نوع ذكر ياد پس از نسيان است.

« ۲- گاهى نيز ذكر را براى حضور در دل و سخن هر دو بكار مى برند از اين جهت گفته مى شود ذكر دو

گونه است : يكي قلبى^۵ و ديگرى زبانى

هر يك از يادآورى ها نيز دو نوع است : اول ياد و ذكرى كه بعد از فراموشى است و دوم ذكرى كه پس

از فراموشى نيست، بلكه براى ادامه حفظ كردن و بخاطر سپردن است .^۶ »

بنابراين گفته شده است كه ذكر بر دو نوع است :

الف - ذكر قلبى « كه در قلب و به وسيله آن انجام ميگيرد »

ب - ذكر لسانى « كه بوسيله زبان و در قالب الفاظ و كلمات گيرد »

طريحي در مجمع البحرين ذكر را « حضور معنى در نفس » ميداند و اينكه به قول، ذكر گفته مى شود

را به اين علت ميداند كه بوسيله آن معنى در ذهن حاصل ميشود.^۷

^۱- لسان العرب، ج ۴، ص ۳۰۸

^۲- منتهى الأرب، ج ۲ ص ۴۱۱

^۳- معجم متن اللغه، ج ۲، ص ۵۰۲

^۴- اقرب الموارد، ج ۱ ص ۳۷۰

^۵- نظير همين تقسيم بندى از ذكر را فيومى در مصباح المنير آورده است

^۶- مفردات راغب، ص ۱۸۱

^۷- مجمع البحرين، ج ۱ ص ۹۶